

اختتامیه جشنواره قصه گویی تبیین



پنجشنبه ۳۰ تیر اختتامیه اولین دوره این جشنواره در مشهد برگزار می شود. به گفته رفائی دبیر اولین جشنواره قصه گویی هدف این جشنواره «تبلیغ و ترویج سبک زندگی قرآنی در جامعه و «جریان سازی تولید آثار قرآنی با استفاده از ظرفیت مؤسسه های قرآن و عترت»، است و محور اصلی آن توجه به قرآن به عنوان دستور العمل زندگی است. آثار رسیده

به جشنواره ۲۵۶۹ اثر است و از سه رده سنی کودک، نوجوان و بزرگ سال شرکت کرده اند و قرار است از ۲۸ نفر به عنوان نفرات برگزیده در روز اختتامیه تقدیر شود.

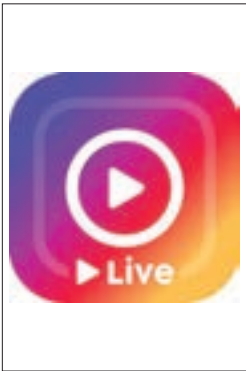
مهم ترین اسناد واقعه گوهرشاد رونمایی می شود



مهم ترین اسناد قیام خونین مسجد گوهرشاد موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران با سخنرانی اسناد قاسم تبریزی، کارشناس و پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، رونمایی می شود. برنامه «گوهر یاد، امروز، ساعت ۱۱:۳۰ در تالار فرهنگ مرکز همایش های این سازمان برگزار خواهد شد. قیام، مسجد گوهرشاد، یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران در پی

اجباری شدن استفاده مردان از کلاه شاپو است. رضاخان با تقلید از غرب و تصور اینکه پیشرفت های غرب به دلیل تغییرات ظاهری است، سعی در تغییر ظاهر و پوشش مردان و زنان ایرانی داشت.

شب شعر مجازی شاعران مشهدی



با اینکه از دوران اوج کرونا فاصله گرفتیم، اما نشست های مجازی و دورهمی های ادبی و هنری همچنان در کشور ادامه دارد. شب شعر «شاعران آفتاب، با حضور هشت شاعر مشهدی قرار است روز شنبه اول مرداد برگزار شود. سهیلا دبیرگلی، رضایاوری، جواد اسلامی، فاطمه ابراهیمیان، شهره شجیعی، جواد سنجری، حسین سرداری و مهدی

رمضانی قرار است در این نشست مجازی شعرخوانی کنند.

پشت وپترین

صفر ناصد قطعنامه ۵۹۸

قطعنامه ۲۷ تیرماه ۱۳۶۶ اتفاق افتاد. کتاب های زیادی در این باره منتشر نشده است، اما «بسترهای پذیرش قطعنامه ۵۹۸، به قلم محمد مهدی بداروند از معدود کتاب هایی است که می تواند برای مخاطب ناآشنا، روشن کننده باشد. در این کتاب ۳۲۰ صفحه ای، نویسنده درباره چگونگی دلایل پذیرش صلح از جانب ایران در جنگ تحمیلی- براساس قطعنامه ۵۹۸- بحث کرده است. نویسنده در این کتاب با توجه به اهمیت پردازش و تحقیق پیرامون عوامل و دلایل پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی در پایان جنگ هشت ساله و ضمن طرح و تبیین ریشه های صدور و پذیرش این قطعنامه اهداف و اغراض ابر قدرت ها را در راه صدور آن علیه ایران اسلامی بررسی کرده است. به نظر نویسنده صدور و قبول قطعنامه ۵۹۸ آثار محسوس در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورمان گذاشت. از بعد نظامی نیز تأثیر مستقیمی بر روند عملیات در جبهه های نبرد بر جای گذاشت. به طوری که عقب نشینی نیروهای رزمنده اسلام را از بسیاری از مناطق فتح شده در داخل خاک کشور عراق در برداشت. کتاب این مباحث را در بر دارد؛ عملکرد سازمان ملل در طول جنگ، بررسی قطعنامه ۵۹۸، موضع گیری های ایران و عراق در قبال قبول قطعنامه ۵۹۸ و حوادث پس از قبول قطعنامه. این کتاب را انتشارات دانشگاه قم منتشر کرده است.

زین قدیپار

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

● گاهی برای دو فعل معطوف یک حرف اضافه می آوریم که تنها برای یکی از افعال کاربرد دارد؛ در این صورت، باید از حرف اضافه مناسب برای هر فعل استفاده کرد:

«نظارت و استفاده از آموزه ها مهم است.» (نادر ست)

● در این جمله، تنها از حرف اضافه «از» استفاده شده است؛ در حالی که، برای نظارت نیز باید از حرف اضافه مناسب آن استفاده کنیم: ♥

«نظارت بر آموزه ها و استفاده از آن ها مهم است.» (در ست).

#زین-قدیپاری

وقتی ناشران پخته خوار و کپی کار کمر به قتل ناشران معتبر بسته اند

بینوایان ناشران!



● عامه پسند با تخفیف های ۸۰ درصدی سالن های فرودگاه، ایستگاه های مترو، کتاب های پخش و پلاژ شد. سر فلان چهارراه با کوچه و خیابان و پلنفرم های پخش و فروش کتاب به صورت مجازی که اتفاقا در حوزه فروش محصولات حسابی معروف هستند. همه این ها بسترهایی است مملو از کتاب های معروفی که ترجمه ابتدایی آن به سرعت در بازار نشر و کتاب خواندنی شده است. برادران کار اما زوف، دختری که رهایش کردی، ملت عشق، جزء از کل، عامه پسند، بیگانه، ناطور دشت، من پیش از تو، بابا لنگ دراز به علاوه کلی عنوان دیگر، همه قربانیان همین جنایتی هستند که اگر به دنبال خرید آن ها از مراکز فروشگاه های معتبر باشید، ممکن نیست بتوانید آن ها را با قیمت های پایین پیدا کنید. در صورتی که در این مراکز پخش فله ای کتاب، می توانید این کتاب ها را از ۱۰ درصد تا ۸۰ درصد تخفیف پیدا کنید. تابه حال ناشران زیادی قربانی این ماجرا بوده اند. ناشرهای معروف و معتبری مثل «چشمه»، «ققنوس»، «آموث»، «ماهی»، «خوارزمی»، «امیرکبیر»، «کوله پستی»، «کتاب مجازی» و... ● ریفو یاریتو؟

● همین چند روز پیش بود که یاسر نوروزی، نویسنده و خبرنگار حوزه ادبیات، با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش دست به افشاگری بزرگی زد و ناشران کپی کار را معرفی کرد و باعث شد بعد از مدت ها والبنته تأثیر گذارتر از هروقت دیگری، دوباره این موضوع سر زبان ها بیفتد. موضوعی که به قول خودش: «این قدر مهم است که باید های ترجمه در ایران رانابود می کند.» آواز این نوشت که چند سال است گروهی مشکوک، بازار کتاب ایران را به چرک ترین شکل ممکن قبضه کرده اند، در تعداد بالا مجوز نشر گرفته اند و به محض اینکه می بینند کتابی در بازار پرفروش شده است، با عوض کردن جمله ها و اصطلاحات، همان کتاب را با مجوز نشر خودش

و به اسم مترجمی که اصلا وجود خارجی ندارد، به بازار می فرستند. آن ها چندین و چند مجوز را به نام افراد خانواده و اقوام دریافت و یک کتاب را با نام چندین مترجم فرضی منتشر می کنند. بدون اینکه

حق التألیف، حق الترجمه، ویراستاری و دیگر هزینه های پیش از چاپ کتاب را بپردازند و بار زحمتی روی دوششان باشد. از شلم شوربایی بازار کپی کاران

همین بس که واژه «ریفو» در ترجمه یکی از آثار پیمان خاکسار، به «ریفو» تبدیل شده و یک شخصیت به شخصیت های کتاب اضافه شده است!

● تهدید جانی آقای خبرنگار

او در صحبت هایش از برخی از این



موقع خرید کتاب باید به تخفیف های ۵۰ تا ۸۰ درصدی شک کنیم

کپی رایت قرار دهد.) آن زمان فقط کسی که مجوز ترجمه و نشر یک کتاب را از ناشر خارجی بگیرد، می تواند آن را در ایران چاپ کند. مابقی هم اگر چنین کاری کنند، قانون کپی رایت را نقض کرده اند که جرایم مختلف

برایشان در نظر می گیرند، منتها اجرای این قانون در ایران راحت نیست، ولی به هر حال باید از یک جایی شروع کرد. ● نه به خرید کتاب های جعلی

حالا به نظر می رسد همین موضوع، بهانه خوبی شده برای همراهی بسیاری از مترجمان، اهل ادب و عموم مخاطبان برای یک حرکت گروهی علیه رونق دادن به بازار کپی کاران. بسیاری از کاربران باتوجه هایی نظیر اینکه، «فرب تخفیف ها را نخورید.» یا «تخفیف ها همیشه نشانه خوبی نیستند.» سعی دارند در روند این آگاهی رسانی سهیم باشند. ضمن اینکه بعد از شکل گیری این جریان، فروش کتاب های بی کیفیت و گاهی سرقت شده از سوی مافیای نشر، فقط در یکی از پلنفرم های بزرگ فروش کتاب، از روزانه ۲۰۰ کتاب به ۱۰ کتاب رسیده است. این خبر را بگذارید کنار خبری که هفته اول تیر ۱۴۰۱ حسابی سروصدا کرد، اینکه کتاب «دومین کالای پرچست وچوی مردم ایران در سال ۱۴۰۰ در یکی از مراکز فروش محصولات معروف آنلاین بود.

آنجا که برای اولین بار کعبه را می بیند چنین می نویسد: «روزی دو مرتبه مشرف می شوم. همه را دعایم این است که خداوند این بلا را از جان مسلمانان دور کند. وسیله خیری هم برای من بیچاره بسازد.» و یک جایی هم از ظلم و جور زمان می نالد: «امروز یکشنبه بیست و ششم است، صبح به حرم مشرف شدیم. الهی خداوند هیچ بنده ای را در غربت تنها و یکه به دست ظالم گرفتار نکند. اگر چه باید نگاه به اجداد ظاهرینم بکنم. خاک بر سر من، سگ راه آن ها هم نیست. با آن ها چه کردند که با من بکنند. حالا امام حسین نیست، ولی شمر و یزید بسیار است...» این سفرنامه اولین بار از سوی انتشارات «طراف» و به کوشش «زهره ترابی» منتشر شده است.

حافظ غزل سرا یا طنز سرا!؟

بیشتر طنز حافظ، نقد دورویی و رفتارهای دوگانه حاکمیت وقت خودش است، مثلا جایی که می گوید: «ای دل طریق رندی از محتسب بیاموز / است است و در حق او کس این گمان ندارد» و البته سؤال اینجا ست که اگر کسی به محتسب مشکوک نیست که مصرف کننده نوشیدنی های غیرمجاز است، چگونه حافظ فهمیده که محتسب هم مصرف کننده است؟! حافظ همچنین در هر غزلیش که سخن

از توبه به میان آورده، طنز هم در کنارش بوده است، مثلاً در ذهن تمام ما اگر قرار باشد مکانی برای توبه و استغفار وجود داشته باشد، آن مکان باید یک مکان معنوی باشد، ولی حافظ را ببینید که برای توبه کردن به محل خرید و فروش می رفته است، مثلا جایی که می گوید: «بشارت بـسـربـه کـوی می فروشان / که حافظ توبه از زهد را کرد» یا این توبه حافظ را ملاحظه بفرمایید: «کرده ام توبه به دست صنم باده فروش / که دگر می نخورم بی رخ بزم رایی»

خواجـه شمس الدین محمد بن بهاء الدین محمد شیرازی با همان حافظ خودمان اگر چه به عنوان شاعر مضامین عارفانه و عاشقانه معروف است، ولی در جای جای غزلیاتش رگه های خیلی قوی از طنز وجود دارد که در اینجا چند غزل از حافظ که خالی از طنز نیست را با هم مرور می کنیم:

مثلا جایی که می گوید: «رشته تسبیح اگر بگسست معذوم بدار» «مخاطب با خودش می گوید: به درجه ای از عرفان رسیده است که حتی از پاره شدن نخ تسبیح خودش هم عذرخواهی می کند، ولی در ادامه می بینیم که می گوید: «دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود» یعنی ناگهان تمام تصورات شما را به هم می ریزد.

بعضی جاها هم از کنایه های طنز به خوبی استفاده می کند: «من ار چه عاشقم و رند و مست و نامه سیاه / هزار شکر که یاران شهر بی گنهند!» اینجا از آن جاهایی است که حافظ به زیبایی در لافافه می گوید، هر انسانی جایز الخطاست، البته

انتشاراتی ها و نویسنده ها مانند، «آزمیدخت»، «آنیسا» و «نیک فرجام» نام برده که هر کسی می تواند با یک بررسی اجمالی در بسترهای فروش آنلاین کتاب در فضای مجازی متوجه شود

● قانون مظلوم کپی رایت بسیاری از کارشناسان و فعالان حوزه ادبیات بر این باورند؛ وزارت ارشاد برای جلوگیری از این روند باید با عزم راسخ تری وارد عمل شود. یاسر نوروزی هم در صحبت های خود به این نکته اشاره کرد که دادستان می تواند به عنوان مدعی العموم علیه این ها وارد عمل شود، چون ناشران و مترجمان فراوانی علیه شان مدرک دارند. ارسال قضیحی، مترجم رمان ملت عشق نیز که اتفاقا کتابش جزو همین پرفروش ها بود و قربانی ناشران کپی کار، در گفت وگوش درباره همین موضوع می گوید: «تنها راه مقابله با این موضوع، این است که دولت ایران، عضو کنوانسیون «بن» شود تا قانون کپی رایت در کشورمان به اجرا دربیاید. (کنوانسیون بن کشورهای امضا کننده را که در متن معاهده به نام کشورهای عضو اتحادیه شناخته شده اند، ملزم می کند که آثا را پدیدآورندگان دیگر کشورهای امضا کنند را همچون آثار پدیدآورندگان تبعه خود مورد حمایت

انواع و اقسام کتاب ها با موضوع های مختلف روان شناسی، رمان و... از سوی آن ها به بازار فرستاده می شود! در ادامه هم همان طور که می شود حدس زد، این افشاگری ها با واکنش های عجیب و غریبی همراه شد. نوروزی در پست ها و استوری های بعدی گفت که عده ای از نزدیکان همین نشرها او را به پول گرفتن، باندبازی، فالوور جمع کردن و کسب شهرت متهم کرده اند. او همچنین در بخشی از گفت وگوش با «تسنیم» از این گفت که: «انتشار این پست مست موجب شد که این ناشران در نظرات و تماس های تلفنی شروع به تهدید و شکایت کنند، حتی یکی

حالا که حجابان کم کم دارند بر می گردند

شاید بد نباشد برای اهلس یکی از سفرنامه قدیمی و خواندنی دوره قاجار را معرفی کنیم. «چادر کردیم رفتیم تماشا»، سفرنامه های عالیه خانم شیرازی، هم زمان با حکومت ناصرالدین شاه نوشته شده است. عالیه شیرازی از کرمان با کاروان شتر به بندر عباس و از آنجا با کشتی به بمبئی و سپس چون به ساحل می رسد با چهارپا و کجاوه، به عتبات و حج می رود و سپس به تهران. او به درون زندگی و حرم سرای ناصرالدین شاه نیز راه می یابد. عالیه خانم شیرازی زنی است توانا و مستقل که به تنهایی در آن عصر، رنج چنان سفری طاقت فرسا را تحمل می کند؛ به علاوه چنان محترم و معنون است که از درگاه میرزای شیرازی

روایتی جذاب عالیه خانم از سفر حج در دوران قاجار

چادر کردیم رفتیم تماشا



معرفی کتاب

شادی چرا رمیده، آتش چرا فسرده؟

جلال حاجی زاده

امروز سالروز تولد سیمین بهبهانی است. اگر در شناسنامه الیوم های فاخر موسیقی رفت و آمد کنیم نام او را باها شانه به شانه نام آهنگ های آبرومند و خوانندگان سرشناس می بینیم. نام سیمین، اما سیمین بهبهانی در کنار بانوی غزل نامیده اند که در واقع اعتباری است دوطرفه، هم برای غزل هم برای سیمین، اما سیمین بهبهانی در کنار غزل از بانوان مهم ترانه هم بوده است. او در سال ۱۳۴۸ به شورای شعر و موسیقی پیوست، شورایی که بزرگ نامان دیگری چون نادرادر پور، هوشنگ ابتهاج، بیژن جلالی و فریدون مشیری در آن فعالیت داشتند. سیمین که حدود سیصد ترانه گفته است در جمعیت کاردان شعر و موسیقی آن دوران به «خوب و زود» معروف بوده است. خودش درباره این عنوان دوستانه می گوید: «خوب و زود به رستورانی بود توشاه یاد که هم غذاش خوب بود هم به محض

اینکه مهمون می اومد غذاش رومی آورد. به من هم می گفتن خوب و زود چون تا آهنگ روبه من می رسوندن من فرداش ترانه رو تحویل می دادم.» سیمین بهبهانی در کنار حسین منزوی و هوشنگ ابتهاج به عنوان غزل سربان نامی، بیشترین سهم را در موسیقی اصیل داشته اند. یکی از دلایلی که باعث می شود نام او هر روز بزرگ تر شود همین حضور پررنگش در موسیقی است. به گفته خودش ارتباط نزدیک او با موسیقی دلیلی شده است که به اوزان جدیدی در شعر دست پیدا کند. در میان استادان بلندآوازه ای چون محمد رضا شجریان، ایرج بسطامی، علی رستمیان و علیرضا افتخاری که به کلام سیمین بهبهانی اقبال نشان داده اند، همایون شجریان بیشترین سهم را داشته است.

حالا دیگر نمی شود آهنگ های عزیز ی چون «چرا رفتی؟ چرا من بیقرارم...»، «رفت آن سوار کولی...»، «دل گرفته ای دوست...»، «و فریاد غم» را از حافظه شنیداری و بیداری این خاک پاک کرد. ترانه نامش ماندگار.